

صرف ۲ متصف : اسم که متن، جمع، معنی و متصف و متصف بمنسوب :

اسم که غیر متصف : اسم که هیچ تیرازگایی نتواند دارد :

(تعیین متن) به اسم ره چانین بسفر است + علامت تعیین (آن یعنی) از جمیع لفظ و معنی ها هست

با علامت تعیین دارد ولی بفراری از لفظی ندارد ← اینان ...  
با بفراری از حسب لفظ و معنی ها هست نیدند ← آبوان ...

### روش راهنمای متن

جبل

وحش

مناری

- ✓ اسم صمیم
- ✓ سُبْح صمیم
- ✓ مخصوص ← لام شی حذف مسدہ ← لام برخورد
- ✓ معمول ← لام شی حذف مسدہ ← لام برخورد

اسم مخصوص ← آن لام خود است و الفاظ مختلف از واو ← الف بـ اهلی برخورد هنها

درین صورت بالا (لام خود نیست و الف منطبق از واو نیست) => الف بـ یاده تبدیل مسورد مناری

اسم محدود ← هنوز اهلی باشد => بجود تغییر علامت تعیین برخورد وضاء  
هنجزه برای تکشیب باشد => قلب به واو منسوب خضراء  
هنجزه منطبق باشد => بجود تغییر علامت تعیین برخورد کسراء  
هنجزه مطلب برآو منسوب علیاء ← جواز لام و پیش از اینها

اسم بلاز که لام خود نیست => لام برخورد عرض مخدوف شاید => لام برخورد هن  
عوzen مخدوف آمد => به همان صورتی برخود مسند مسورد لفظ

صرف ۲  
مؤنث علامت: ات  
مذکور علامت: ون / وین  
جمع مذكر مسکر

مذکور عاقل  
بدوره تائید  
مرکب نیاسند  
اعمال بسته خود  
اعمال عاقل  
مؤنس باه تائید  
یا افضل تفضیل پسر  
اعمال عالمون

صحیح و بحاجت به تغیر علامت جمع می‌شود مجموں / تھہیں  
روتوں ساخت جمع  
متقویں ← هدف یا  
ظاهر  
مذکور مسلم ← هدف الف  
تصور ← یحیی  
مانند تئیں ← محدود  
هر کو اصلی  
زیر راء  
هزہ منقلی فرماء

ملحقات به جمع مذکور مسلم ← اس کے علاوه جمع دار دار تعریف جمع درست وطن رانداز رانداز.  
علیون - عالمون - عصرون ... - اولو - ارضون میسنون ...

ملحقات به جمع مؤنث مسلم ← اس کے مذکور لفظ ندارد ولی ساخته مفرد مسلسل کے باخوات

مفرد ۲

شاید اسم مذكر که جمع مونث سالم بسته باشد : (یک شرط اخفر است)

۱) ماء تانیت ذاته باشد → عالمات

۲) الف تانیت ذاته باشد → اگر موافق باشد = به سطر که در علم مذکور نباشد . صیراء = صیر او از  
العصور - محدود

→ السرفت باشد = به سطر که (فعلان فعلی و افعال فعلی) نباشد  
حبلی = حبیبات

۳) علم مونث حقیر باشد → میدم ← مدیمات

۴) اسم مذكر غیر عامل به سطر که جمع مذكر ذاته باشد ← وجود ← وجودات

۵) صفت مذكر غیر عامل باشد ← شاهن ← شاهقات

(زیر) ساخت جمع مونث سالم :

الف) مونث لذری = سائل العین و صحيح العین و غير ضاغط  
ب) مفتوح الفاء باشد وجودیت ← تبعیت عین ازفاء  
دُعَد ← دُعَدات  
بَرْهَنْ ماذل عین بسون  
مفتوم کردن عین  
← مفتوح الفاء باشد جواز تبعیت عین ازفاء

ب) مفتوح الفاء باشد جواز  
هند ← هنرات هنرات  
هندات هندات

ب) اسم فتحم به تانیت = هذف منثور ← مقصور باشد ← حمل آن مثل مقصور درستین  
فتاه ← فتشیات

ب) محدود باشد ← حمل آن مثل محدود درستین  
قراءة ← قراءات

ج) مقصور = حمل مثل حمل مقصور درستین بسری ← بسریات